

يك پيكرساز هنرمند فرانسوي

در تهران

آقای گی شارل رول G. C. Revol هنرمند فرانسوی که اکنون مهمان ماست از پیکر سازان نامی معاصر است، علاوه بر آن در رشته مدال سازی نیز شهرت بسیار دارد. این هنرمند در سال ۱۹۱۲ در پاریس بدنیاً



G.C. REVOL

TEHRAN MAR 51

نسخه

آمد و تحصیلات دبیرستانی را در آن شهر با انجام رسانید. سپس به مدرسه هنرهای زیبای پاریس داخل شد و در حین تحصیل پادشاهی متعدد گرفت. آنگاه بکار پرداخت در سال ۱۹۳۷ جایزه پیکر سازی روم نصیبش شد. در همین سال در «نمایشگاه هنر و فن» پاریس شرکت کرد و بدریافت مدال نقره نائل آمد. دو سال بعد در نمایشگاه سان فرانسیسکو (آمریکا) تنزیین مدخل بنای فرانسه باو وا گذار شد که باموفقیت بسیار انجام داد. گی شارل رول

بدستور دولت فرانسه (وزارت هنرهای زیبا) کارهای هنری متعدد انجام داده است که از آن جمله پیکرها و نقش‌های برجسته چند ورزشگاه نزدیک پاریس و نقشهای برجسته از سنگ و مفرغ و آلومینیوم برای آموزشگاهها و مؤسسات فنی دولتی است.

بعضی از آثار هنری او را «موزه هنرنو» خریداری کرده و در تالارهای خود به معرض نمایش گذاشته است. طرحهای او نیز شهرت بسیار دارد و در موزه‌های مختلف، از جمله موزه شهر پاریس نمونه‌های آنرا می‌توان دید. نیز با همکاری یکی از هنرمندان معروف معاصر که متخصص در آرایش و تزیین عمارت است نقش‌های برجسته برای تزیین تالارهای کشتی‌های فرانسوی و واگن مخصوص رئیس جمهوری ساخته است. کارهای متعدد او



۱۹۴۸ پاریس - پیکر ساز هنرمند - در کارگاه

در مجموعه‌های شخصی کشورهای اروپا و آمریکا بسیار است.
در رشتهٔ مدال سازی نیز گی شارل رول آثار بسیار برجسته دارد و ادارهٔ



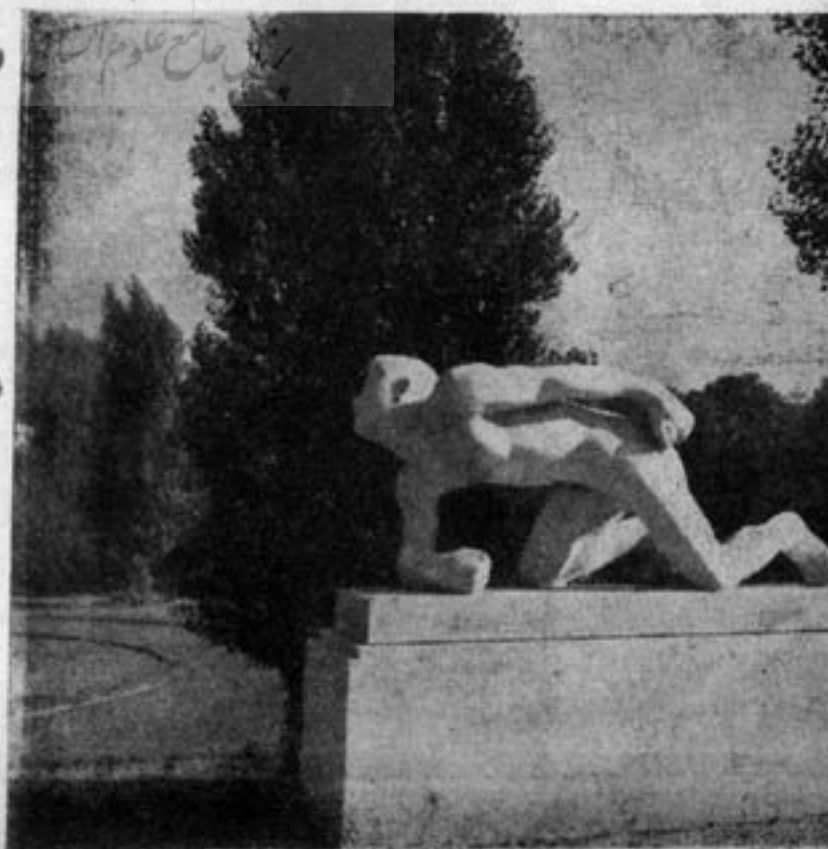
مسکوکات فرانسه بسیاری از کارهای خود را باور جوع کرده است. از آن جمله مدال صدمین سال مرگ بالزاک و مدال یادبود ژان ژیرودو و مدال یادگار دو هزارمین سال بنای شهر پاریس، مدال کریستیان برار، آلبرت شوایتز، شارل مونت موسیقی دان مشهور، اینشتن، پیر بوردان، مدال رادیو لندن، مدال یادگار هانس اندرسن، مدال اتحادیهٔ زغال سنگ و فولاد اروپا، مدال یادگار تعمیر تصوریسای، و مدال نیروی آب و غیره.

مجموعهٔ مدالهای او در شهرهای مادرید و استکهلم و لندن و ادنبرگ و غیره به معرض نمایش گذاشته شده و در کنگره‌های

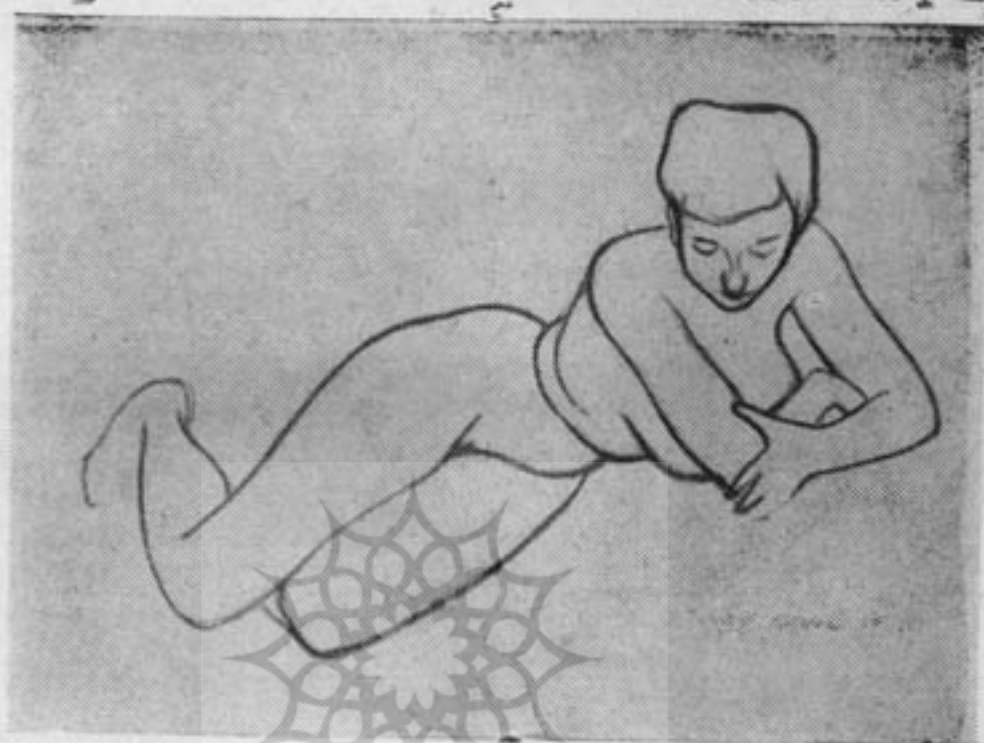
مجسمه سر کریستیان مگره Christian Megret نویسندهٔ معاصر فرانسوی و برندهٔ جایزهٔ فینا در ۱۹۵۷ - (از مفرغ)

المللی سازندگان مدال مورد توجه و تقدیر قرار گرفته است. خیر نگار مجله سخن که از آمدن آقای گی شارل رول به تهران آگاه شده بود با او ملاقات کرد و از او خواست که عقیدهٔ خود را در بارهٔ اهمیت و مقام پیکر سازی در دنیای امروز و سبک و شیوه‌ای که

مجسمهٔ پهلوان برانودر آمده در یکی از دروازه‌های پاریس سفارش دولت فرانسه (۱۹۴۹) طول ۲۵۰ متر



پيرو آنست برای اطلاع خوانندگان مجله بیان کند.
آقای گی شارل رول گفت:



طرح بامداد سیاه - خریداری دولت فرانسه (۱۹۵۳)

بسیار خوشوقتم که فرصت یافتیم با خوانندگان سخن در باره آنچه از هنر پیکر سازی می دانم گفتگو کنم. راستی پس از ۲۵ سال تحصیل و تمرین این فن تازه شروع کرده ام باینکه درباره مسائل مهم این هنر که مثل بسیاری از امور ساده در نهایت دشواری و پیچیدگی است عقیده ثابتی پیدا کنم، اگر چه این عقیده در طی ۲۵ سال آینده که امیدوارم زنده بمانم و کار کنم قابل

ادیات و دانش و هنر - طرح برجسته
در یکی از تالارهای موسیقی شهر
سانتوپولو (برزیل) ۱۹۴۹
موضوع این نقش را یاردیگر خود
هنرمند با تغییراتی بسفارش دولت
فرانسه برای سردر آموزشگاه
شاتودن از مفرغ ساخته است
(۱۹۵۳)



تعمیر است.

اول از لزوم و اهمیت این هنر گفتگو کنم، زیرا کسی که تمام عمر خود را در راهی صرف می کند ناچار با اهمیت و لزوم آن ایمان دارد. اگر گاهی در لحظات نومیدی که ناچار برای هر هنرمندی در برخورد با مشکلات و موانع پیش می آید در این باب شیکی یافته ام دو نکته موجب تشویق و مایه امیدواری من شده است:

اول همین کشور شما که از نیم قرن پیش باین طرف سنت هزار ساله خود را در ایجاد هنر تصویری تجدید کرده است و در این راه پیش می رود.

موسیقی در تفری - ساز و آواز - مجسمه از گل بنفته - ۱۹۵۹ - در مجموعه خانم آر بل



پروفسور شاه علامه اشرفی شادان فرنگی
بر تال جامع علوم انسانی

یعنی ملتی که شاهکارهای مفرغی لرستان (متعلق به سه هزار سال قبل) و آثار مهم حجاری هخامنشی را بوجود آورد پس از آنکه مدتی دزازه‌نر

پیکر سازی را متروک گذاشته بود باز بآن رغبت و علاقه بسیار ابراز می‌کند.

دوم آنکه سندی‌کای پیکر-

سازان فرانسه اخیراً از مشاهدهٔ عبریانی آثار معماری اخیر (که شاید بیشتر

نتیجهٔ مشکلات مالی بوده است) به

جنب و جوش آمده و سعی می‌کند این

فقدان زیبایی بصری را با افزودن

نمونه‌های پیکر سازی با بنیه و عمارات

عمومی جبران کند.

از این مطلب که بگذریم میل

دارم اندیشه‌ای را که همیشه برای من

اهمیت بسیار داشته است با خوانندگان

سخن در میان بگذارم. در نظر من

شیوه و سبک آثار هنری هر چه مختلف

باشد جوهر هنر همیشه یکی است و

آن عبارتست از احتیاج فرد به جامعه، به آنکه حاصل هیجانات و احساسات،

و ادراکات خود را از دنیای باطنی و ظاهری، و شادی و بیم و آرزوی خود را بر

حسب استعداد و دانش و مهارت بخود بیان کنند. بعبارت دیگر وجود درونی

خود را در عالم خارجی

جلوه‌گر سازد و باین

طریق با امثال خود

ارتباط یابد. البته

با افتخار ترقیات فنی-

مجسمه‌ای که از آلومینیوم

ریخته شده - اندازهٔ طبیعی

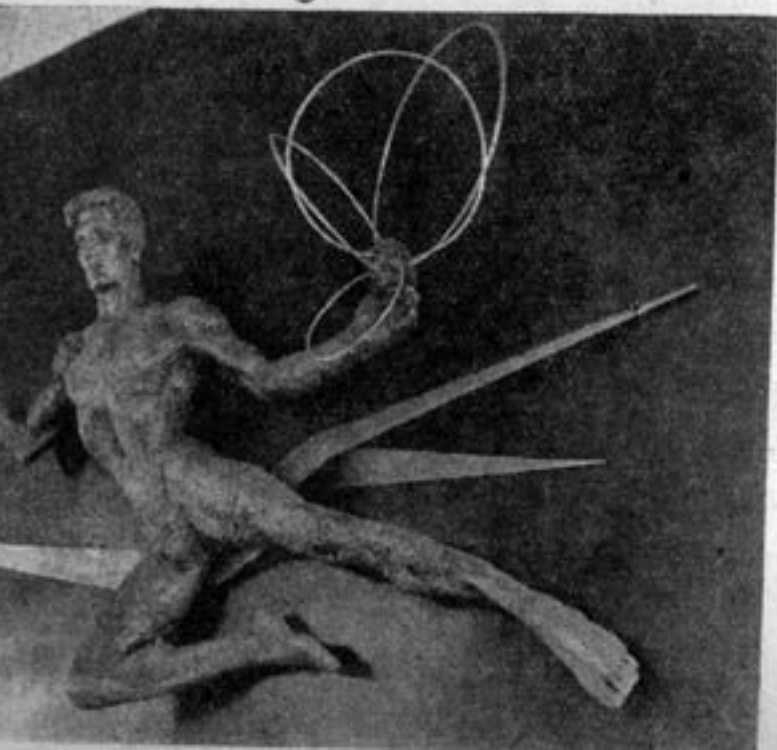
در مدخل آمفی تئاتر بزرگ

«مرکز ملی تعلیمات فنی»

کاشن نزد يك بار بس



سربك كودك (مفرغ)



موضوع سبکهای مختلف نیز مهم است. اما اهمیت آن بیشتر از جهت آنست که تمایل و توجه و سلیقه اجتماعی خاص را نشان می‌دهد و کنه ضمیر هر جامعه را در عالم خارج جلوه گرمی سازد. شاید بتوان سبکهای مختلف هنری را به تراشهای متفاوت يك قطعه الساس تشبیه کرد که شعاعهای گوناگون باطراف می‌پراکند اما در حقیقت جز تشعشع‌های درهم آمیخته روشنی واحدی نیست.

اما دربارهٔ مکتبهای مختلف و فورمولهای متعدد که در زبانهای اروپائی به «ایسم» ختم می‌شود گمان من آنست که این همه مانند اختلاف رنگ پرهائنی است که يك خانم شیک پوش هر روز به کلاه خود می‌زند، یعنی نتیجهٔ احتیاج به جلوهٔ نو (اگرچه با تصنع باشد) بقصد آنکه «لرزهٔ نوی» در بیننده ایجاد کند.

مبادا این گفتهٔ من اشتباهی در ذهن خوانندگان ایجاد کند و تصور کنند می‌خواهم هر گونه تجدیدی را مورد انکار قرار دهم. آنچه مورد اعتراض منست تصنع و تکلفی است که گاهی بدون آنکه علت و انگیزهٔ حقیقی و باطنی داشته باشد در آثار بعضی از مدعیان هنر بوجود می‌آید.

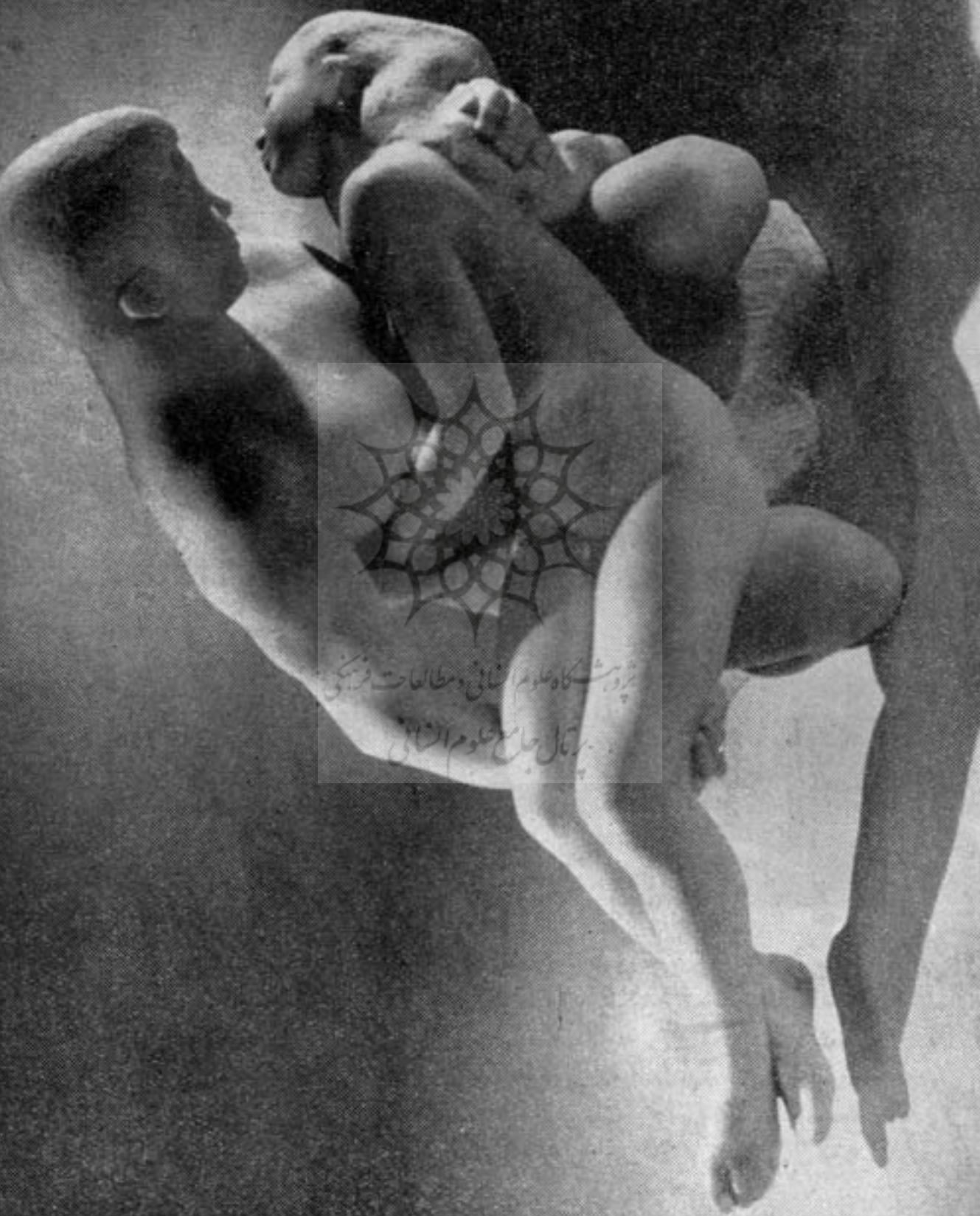
من اغلب دربارهٔ عبارتی که یکی از بیکر سازان بزرگ یعنی دوژان که مدتی بارودن کار می‌کرد گفته است تأمل و اندیشه می‌کنم. آن عبارت اینست که «بنظر من نکتهٔ قابل توجه ایشست که هر يك اردوره‌های مهم هنر از ابتدای ظهور مستقیماً بطرف اوج می‌رود و آنگاه پیاپی بسبب تکمیل و ترقی به انحطاط متمایل می‌شود»

من به گمان خودم برای این امر دلیل و سببی یافته‌ام. هنرمند چون تعلیمات فنی لازم یافت و از مشاهدهٔ شاهکارهای هنری لذت برد، کم‌کم شخصیت هنری خود را می‌پرورد و کامل می‌کند و آنگاه نظر و ادراک خاصی

مجسمه برای يك چشمه. ماکت گچی که از سنگ تراشیده شده است. بلندی ۱٫۴ متر. سفارش دولتی برای قرارداددن از پاك پوتنواز-۱۹۵۵

اروس و همیشه - کار «رول»
از کلکسیون Arpels ←





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیدامی کند که رو بتکامل می رود و از حدود سنتها و قیود هنری درمی گذرد و آن قیود را درهم می شکند تا بتواند شخصیت خود را جلوه گر کند. در قواعد و اصول تصرف می کند تا بتواند قواعد و اصول دیگری متناسب با هنر خود بوجود بیاورد. از این جهت هنرمند پیرو سنت هنری است. زیرا که در هنر

پيكر آيوون - مجسمه از سنك بلندي ۱۸۵۴ - (این عکس از ماکت کچی آن گرفته شده است)
آموزشگاه شاتودن



سنتی که اعتبار دارد همان تجدید و تجدد متوالی است. اگر در تاریخ هنر مطالعه دقیق کنیم می بینیم که برجسته ترین موارد و حالات همان مواردی است که هنرمندان قیود خشک و ظاهری را درهم شکسته اند. این نکته نه همان درباره افراد هنرمند بلکه درباره شیوه ها و دوره های تکامل هنر نیز صادق است. اما همینکه قیود تازه مستقر شود و مورد قبول یافت دیگر جوهر هنر از میان رفته و تکرار و تقلید جای گزین آن شده است که از حقیقت هنر بسیار دور است.